



انترناسیونال ۳۴۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۲۷ فروردین ۱۳۸۹، ۱۶ آپریل ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

ستون اول

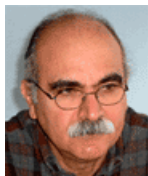
ده سال پس از کنفرانس برلین

کاظم نیکخواه

این روزها مصادف با دهمین سالروز کنفرانس برلین است. کنفرانسی که نه خودش بلکه شکستش و پرچی که علیهش بلند شد، مثل بمب در فضای سیاسی ایران و حتی جهان ترکید و مدتها به صدر اخبار رفت. این روزها که فریاد سرنگونی از سراسر جامعه به گوش میرسد، چقدر یادآوری کنفرانس برلین و جریان به شکست کشاندن آن بجا و درس آموز است. مدتی پیش یکی از سران حکومت اسلامی در مورد کنفرانس برلین گفته بود که "جریان فتنه از کنفرانس برلین شروع شد". و سایت سپاه پاسداران بنام "جوان آن لاین" در نوشته ای به مناسبت دهمین سالگرد کنفرانس برلین اینطور نوشته است: "این روزها دهمین سالگرد واقعه‌ای است که در اذهان عمومی جامعه به کنفرانس ننگین برلین شهرت یافته است. کنفرانسی که در اواخر فروردین سال ۷۹ یعنی قریب به دو ماه پس از برگزاری انتخابات مجلس ششم که به پیروزی اصلاح طلبان با محوریت مشارکتی‌ها انجامید و در آن ۱۷ نفر از عناصر دگراندیش از جمله یوسفی اشکوری، جمیله کدیور، علی افشاری، اکبر گنجی، علیرضا علوی تبار، عزت الله سبحانی، محمود دولت‌آبادی و... به میزبانی بنیاد هاینریش بل و حمایت حزب سبزهای آلمان برگزار شد تا مثلاً درباره آینده ایران هم اندیشی شود. هدف اصلی برگزارکنندگان این همایش فرو ریختن دیوارهای نازک میان اپوزیسیون داخل و خارج نظام اسلامی بود تا بتوانند در یک جبهه متحد علیه نظام اسلامی مبارزه کنند." حقیقتی در این گفته‌ها وجود دارد
صفحه ۸

سیر انقلاب ایران و چشم انداز آن

حمید تقوایی



سبز" نامیدن انقلاب تلاش داشتند آنرا حرکتی رفرمیستی و در چارچوب نظام قلمداد کنند تماماً دوره شان به سر رسیده است. اینان بر خلاف ادعایشان، و علیرغم تمام تلاشی که
صفحه ۷

وضعیت ایران که ریگی به کفش نداشته باشد نمیتواند خصلت و مضمون عمیقاً رادیکال این جنبش و ضدیت آشکار آن با کلیت وضع و نظام موجود را انکار کند.
موسوی و کروی و کل جناح مغلوب حکومت، به‌مراه نیروهای اپوزیسیون حافظ نظام خارج کشوری، نیروهائی که با "جنبش

شد اما از همان آغاز از نظر مضمون و اهداف خود انقلابی علیه کل نظام موجود و برای سرنگونی جمهوری اسلامی بود و این واقعیت هر چه جلوتر آمده ایم برجسته‌تر و بارزتر و غیر قابل انکار تر خود را نشان داده است. امروز هیچ حزب و نیرو و رسانه و حتی ناظر سیاسی

انقلابی که از خردادماه سال گذشته آغاز شد سیر بالنده و صعودی ای داشته است. ما بارها بر این واقعیت تاکید کرده ایم که جنبش جاری گرچه با دستاویز و مستمسک انتخابات و دعوای درون جناحی شروع

یک اول مه بسیار بزرگ که در دنیا صدا کند

مصاحبه با شهلا دانشفر



در حالیکه از نرخ خط فقر یک میلیون و دویست هزار تومان صحبت میکردند و بر سر و کول هم میزدند، ۳۰۳ هزار تومان تعیین کردند. همچنین در سطح جامعه نیز هر روز فشار بیشتر میشود و قیمت‌ها هر روز گرانتر میشود و خودشان دارند از آمار هشتاد درصد زیر خط فقر سخن میگویند. از سوی دیگر
صفحه ۳

وسیع تر کرده است. صحبت از بیکارسازی هفتاد درصد کارگران که عمدتاً قراردادی هستند در میان است. بسیاری از این کارگران با دستمزدهای پرداخت نشده روبرویند و مساله دستمزدهای معوقه معضل بخش عظیمی از کارگران است، سطح دستمزد کارگران را نیز بیشرمانه

انترناسیونال: شهلا دانشفر در ادامه یک جنبش میلیونی و شعارهای سرنگونی و انقلابی، تصویر شما از اول مه امسال چیست؟ اول مه چگونه میتواند برگزار شود؟

شهلا دانشفر: واقعیت اینست که از یکسو رژیم تعارضاتش را

پاپ باید دستگیر شود!

کاظم نیکخواه

دو شخصیت، چند وکیل و حقوق دان برجسته نیز دارند این پرونده را بررسی میکنند که مقدمات حقوقی دستگیری پاپ بندیکت شانزدهم توسط دادگاه عالی انگلستان را گردآوری کنند و به دادگاه ارائه دهند. پاپ قرار است برای یک دیدار رسمی در ماه سپتامبر امسال یعنی حدود ۵ ماه دیگر از بریتانیا دیدن کند و همین باعث داغ شدن این موضوع شده است. برای کسی که در جریان وقایع ماههای اخیر نباشد این خبر حیرت انگیز بنظر
صفحه ۲

در انگلستان حرکتی رسمی از جانب نویسنده و روزنامه نگار مشهور "گریستوفر هیچن" و شخصیت مشهوری چون پروفیسور ریچار داوکینز برای دستگیری پاپ هنگام سفرش به این کشور به جریان افتاده است. (خوانندگان انترناسیونال شاید سخنرانی پروفیسور داوکینز در کنفرانس "یک قانون برای همه" را که مریم نمازی فراخوان داده بود بیاد داشته باشند) در کنار این

بازتاب هفته

کودکان: "شهید فهمیده"
هیچ چیز نمی خواهیم جز زندگی
لهستان، سقوط هواپیما و پرسشها
گزارش یک شاهد عینی از یک اعدام در آبادان
فجایع طبیعی، خرافه و انسانیت!

صفحات ۶-۴

در صفحات دیگر

بدون شما ممکن نیست!
کمپین جمع آوری ۲۰۰ هزار دلار کمک مالی برای حزب-صفحه ۱۰
مشغله وزارت بهداشت: حجاب در دانشگاه
سیامک بهاری، صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پاپ باید دستگیر شود...

از صفحه ۱



کاظم نیکخواه

میرسد. پاپ رهبر کاتولیکهای جهان را میخواهند دستگیر کنند؟ مگر میشود؟ کاتولیکهای جهان شورش خواهند کرد. مسیحیان به تکان در خواهند آمد. اما مردمی که چند ماه است در جریان اخبار داغ و تکان دهنده در حول و حوش کلیساهای ایرلند و آلمان و بلژیک و ایتالیا و آمریکا و نقش شخصی جناب پاپ طی سالهای سال در پرده پوشی این جنایات هستند، این سوالات برایشان چندان مطرح نیست. بلکه می پرسند، آیا از نظر حقوقی این امکان پذیر هست یا نه. آیا محدودیتهای قوانین اجازه چنین اقدامی را میدهند یا نه. آیا مصالح دولتها و سران کشورها اجازه میدهد یا نه. چند ماه است که اروپا دارد از اخبار تکان دهنده ای به خود میپسجد. اخبار جدیدی از تجاوز به دهها هزار کودک توسط هزاران کشیش در سالهای متعددی و در سطحی بسیار گسترده که تا سالهای اخیر نیز ادامه داشته است. موضوع تجاوز به کودکان بی پناه و بی دفاع توسط کشیشان موضوع تازه ای نیست. از ده پانزده سال پیش تاکنون به دلایلی گوشه هایی از اسرار کلیساها و کشیشان شروع به فاش شدن توسط قربانیان آنها کرده است و همین حدی که افشا شده نشان میدهد که این نهاد يك نهاد تجاوز سازمان یافته به کودکان است. آنچه جنایت در حق کودکان در کلیساها و توسط کشیشان مزمین و نهادهای شده که اگر بخاطر جایگاه ویژه مذهب و حمایت دولتها از آن نبود تا کنون صد بار دادگاه محاکمه سران کلیسا و از جمله پاپ به جرم جنایت علیه کودکان برپا شده بود و کلیساها لاک و مهر شده بودند. اینکه امروز بطور مشخص مساله دستیگیری پاپ بندیکت که در جوانی عضو "کانون جوانان هیتلری" بوده و پیش از پاپ شدنش به اسم "کاردینال ژوزف آلویس راتزینجر" فعالیت میکرد مطرح شده جنبه های معین و مشخص تری دارد. پاپ شخصا در پرده پوشی این جنایات نقش داشته است. او قبل از اینکه به عنوان پاپ انتخاب شود، رئیس و کاردینال

و به آنها تجاوز میکرده اند. بسیاری از کشیشان بعد از اینکه موارد تجاوزشان برای کلیسا و از جمله راس آن واتیکان فاش شده، محکومیتشان این بوده که به مناطق دیگری گسیل شده اند و پست و منصب های خود را حفظ کرده اند و به تجاوزات و جنایت خود ادامه داده اند. ابعاد مساله آنچه انچه عظیم است که باید در مورد آن کتابها نوشت. پاپ دو هفته پیش نامه ای در رابطه با تجاوز به کودکان در ایرلند که تازه بود نوشت و "اظهار تاسف" کرد. اما این اظهار تاسف برای بسیار از مردم حتی آنها که خود را کاتولیک مومنی میدانستند و بعضا هنوز هم میدانند و بیش از همه برای خود قربانیان عصبانی کننده بود. خیلی هایشان در رسانه ها حرف زدند و خشم خود را بیان کردند که چرا پاپ مسئولیتی بخاطر اشتباهات و خطاهای خود و واتیکان در این رابطه به عهده نگرفته است؟ چرا عذر خواهی نکرده و فقط اظهار تاسف کرده است؟ چرا اقدامی مشخص را در دستور نگذاشته؟ مساله جدی تر اینست که به دلیل مقررات کلیساهای کاتولیک که از واتیکان سرچشمه میگیرد، کلیساها هنوز هم با پلیس همکاری نمیکنند، از درجه ای از مصونیت در کشورهای مختلف از جمله در ایرلند برخوردارند، دولتها نگرانند که با افشای کلیسا و واتیکان، حفاظ مذهبی را از دست بدهند و مردم از مذهب رویگردان شوند و در نتیجه همه اینها پلیس اعلام کرده است که علیرغم ابعاد فجیع جنایات و تجاوزات و شکنجه ها، هیچ اقدام حقوقی و جنایی علیه کشیشان کودک آزار در ایرلند صورت نخواهد گرفت. و این موجی از ابراز خشم و انزجار را از جانب قربانیان بر انگیخت. و جالب تر و بهتر است بگویم تهوع آور تر و تنفر انگیزتر اینست که در همین مورد اخیر ایرلند و افشای تجاوز به صدها کودک، کلیسای کاتولیک مجبور شد اعلام کند که به قربانیان غرامت می پردازد، اما بلافاصله کلیساها و کشیشان راه افتادند و از مردم خواستند که به کلیسا کمک مالی بیشتری برسانند تا بتوانند این ملیونها پوند غرامت را بپردازند! مردم به آنها فقط فحش دادند. گفتند

ما "در راه خدا" کمک کنیم که هزینه کثافتکاریهایتان را بپردازید؟! بدون اغراق من یکی که در مورد ابعاد جنایات و بیرحمی و بی پناهی کودکان طی همین مدت اطلاعات جسته گریخته ای بدست آورده ام میتوانم کتابی قطور در این رابطه بنویسم. و تاکنون کتابهایی نیز نوشته شده است. اگر يك جمله بخواهم بگویم اینست که مذهب و کلیسا علاوه بر کانون ثروت اندوزی و خرافه پراکنی و ضدیت با علم و دانش، يك مافیای جنایت علیه بشریت هستند و حداقل عدالت در رابطه با همین بخش از جنایات آن، حکم میکند که این نهاد تعطیل و برچیده شود. بقای اینها صرفا به دلیل گره خوردن مصالح طبقه حاکم و دولتها با این نهاد و با این مافیای خون آشام و ضد انسانی است. و يك جمله هم اضافه کنم. با یکی از کسانی که خود را مسلمان میدانست در این رابطه حرف میزدم و او بلافاصله گفت حداقل اسلام این کثافت کاریها را ندارد. حتما این استدلال امثال احمدی نژاد و خامنه ای ها هم هست. من با اشاره به اینکه در ایران آخوند را مظهر تجاوز به کودکان میشناسند گفتم هیچ مذهب و دینی از این قاعده مستثنا نیست. و برآستی هم خوشبختی آخوندها در ایران و کشورهای اسلام زده اینست که اختناق اجازه نداده است که رسانه های بی طرف و

مدافعان حقوق کودکان و حقوق انسانی بتوانند با دست باز به سراغ حجره ها و مدارس مذهبی و کلاسهای قرآن و امثال اینها بروند تا ابعاد این جنبه از عملکرد ضد انسانی این نهادها نیز جلوی چشم مردم قرار گیرد. اما نفس قوانین اسلامی و صیغه دختران خردسال و تجاوز به کودکان خردسال تحت عنوان ازدواج خود جنایتی کربه تر از همین دست است. تا چه رسد به سنگسار دختران و پسران و امثال اینها. اکنون در ارتباط با کمپین دستگیری پاپ توسط داوکیمنز و هیچن در انگلستان، برخی رسانه های دست راستی این جنبه را که این دو آنتیست هستند برجسته کرده اند تا موضوع را به جنگ علیه مذهب ربط دهند و روی آن خاک بپاشند. اما خود این علیرغم میل آنها باعث توجهی مثبت به آنتیسم و بی مذهبی شده است. وقتی که انسان به جنبه های تاکنون نهفته عملکرد مذهب از جنایات بیشمار و بیرحمانه علیه کودکان و زنان گرفته تا جنایات آشکارتری نظیر جنگها و آدم سوزیها و سنگسار و دزدیها و قوانین ارتجاعی و امثالهم فکر میکند، باید قاعدتا به این نتیجه برسد که جهان بدون مذهب چقدر میتواند زیباتر و انسانی تر باشد.*

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

یک اول مه بسیار بزرگ که ...

از صفحه ۱

ما شاهد جامعه‌ای هستیم که در اعتراض و مبارزه می‌جوشد. به معنی واقعی کلمه ما شاهد جدالی هر روزه با این رژیم هستیم و محیط‌های کارگری در همه جا و در تمام شهرها به بسبب انفجاری تبدیل شده است. جمهوری اسلامی خودش دارد از بحران‌های کارگری و شورش گرسنگان و انفجار اجتماعی سخن می‌گوید. همه جا اعتراض است. در کارخانه، در دانشگاه، در خیابان، در همه جا. فغانان از حجاب برگیران و جدال آشکار مردم با این سمبل و پرچم رژیم آپارتاید جنسی بالا رفته است. با این فضای اعتراضی گسترده و بدنبال نزدیک به یکسال جنبش انقلابی که در کورانش هستیم، میتوان تصور کرد که این اول مه نسبت به هر سال متفاوت است. اینکه اول مه چگونه میتواند برگزار شود، طبعاً بر می‌گردد به اینکه ما خودمان، رهبران کارگری و فعالین چپ که در راس همه اعتراضات هستند، چگونه به استقبال این روز می‌رویم. باید همه تصویر را داشت تا ما شاهد یک اول مه قدرتمند باشیم. بطور واقعی بدنبال نزدیک به یکسال جنبش انقلابی و شعارهای مردم

همه جا مردم کل شهر را که بخش اعظم آنها خانواده‌های همسین کارگران

هستند را با خود همراه کنیم. دست به اعتصابات و تجمعات همزمان بزنیم. بدین ترتیب میتوان تصور کرد که در شهرهایی چون قزوین، اراک، اهواز، اصفهان، شیراز و مراکز کارگری بزرگ در تهران و در سراسر ایران که مرکز این تنشهاست چه جنب و جوش عظیمی به پا خواهد شد. با چنین جنب و جوشی و با این قدرت به استقبال اول مه برویم. از هم اکنون بیانیته‌ها و کیفرخواست خود را به مناسبت این روز اعتراضی آماده کنیم. سال گذشته ده تشکل کارگری و اجتماعی با هم فراخوان مشترک دادند. قطعنامه سراسری اول مه را دادند و این خود یک قدرتمندی بود، امسال از اینهم فراتر برویم و با صفی متحد و سراسری با قطعنامه سراسری اول مه که خواستهای انقلاب ما و کل جامعه را نمایندگی میکند به استقبال اول مه برویم. همه اینها شدنی است. زمینه‌اش فراهم است. باید عزم کرد و به تدارکش رفت.

انترناسیونال: تا اینجا شما در مورد کارگران صحبت کردید. چرا حزب کمونیست کارگری اول مه را به کل جامعه ربط میدهد و به همه مردم فراخوان میدهد؟ آیا اول مه به

بخشهای دیگر جامعه هم مستقیماً مربوط است؟

شهلا دانشفر: ببینید اولاً کارگران اکثریت عظیم مردم را تشکیل میدهند. طبقه کارگر یعنی کارگران کارخانه‌ها و مراکز تولید، کارگران بیکار، بازنشستگان، بیکاران، جوانان آماده بکار، و همچنین پرستاران، معلمان و کارگران کشاورزی و رانندگان و اقشار پایینی حقوق بگیران. ثانیاً اول مه روز جهانی کارگر است. اما در عین حال به همین دلیل فقط روز کارگران نیست. زیرا مسائل کارگران، هدف و آمال و خواستهای کارگران، پیوند و اتحاد و مشغله‌های کارگران به همه مردم محروم جامعه مستقیماً مربوط است. به عبارت دیگر اول مه روز اعتراض علیه همه مصائب جامعه سرمایه داری است. روز اعتراض علیه فقر و گرسنگی و بیحقوقی و تبعیض و بیحرمتی به انسانهاست. و به این اعتبار روز همه مردم است. بنابراین اتفاقاً فراخوان ما به کل جامعه است. بویژه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی که فقر بیداد میکند و به گفته خودشان ۸۰ درصد جامعه زیر خط فقر است. اساسش بر آپارتاید جنسی و تبعیض علیه زنان بنا شده است. کودک حقوقی

و اتوبوسرانان ترمینال زاگرس واقع در بلوار پاسداران اهواز در اعتراض به دستمزدهای معوقه چند ماه خود دست به اعتصاب زدند و جمعیت انبوهی از مسافران و مردم هم با دادن شعار رانندگان و کارکنان را همراهی کردند. این تجمع سرانجام منجر به دخالت نیروی انتظامی شد. کارگران بر ادامه اعتراض خود تاکید کردند.

اعتصاب رانندگان اتوبوس در اهواز

روز ۲۲ فروردین تعداد زیادی از رانندگان اتوبوس در ترمینال اهواز در اعتراض به سطح پایین دریافتی هایشان دست به اعتصاب زدند. تجمع رانندگان سبب اجتماع تعداد زیادی از مسافران در ترمینال شد شهر شد. دقایقی پس از اعتصاب، اتوبوسهای سپاه پاسداران وارد ترمینال شدند و اقدام به جا به جایی مسافران کردند. دخالت سپاه با اعتراض شدید مسافران و رانندگان اعتصابی روبرو شد.

تجمعات کارگران تامین اجتماعی در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها

روز ۲۲ فروردین کارکنان

بررسی قرار دهد. کارخانه چینی قم دو سال است که بحالت تعطیل در آمده و کارگران خواهان دستمزدهای پرداخت نشده این دوسال خود هستند. بعضاً کارگرانی که سابقه کار طولانی دارند خواهان اعلام بازنشستگی خود هستند.

کارگران بارانداز در آبادان دست به تجمع اعتراضی زدند

روز ۲۲ فروردین ۴۰۰ کارگر ۲۳ شرکت تخلیه و بارگیری فعال در بارانداز شلمچه در مقابل ساختمان مرکزی منطقه آزاد اروند در آبادان و در محل نماز جمعه خرمشهر تجمع اعتراضی برپا کردند. کارگران به سختی شرایط کارشان و بیکارسازی به بهانه واگذاری بارگیری و تمام امور بارانداز شلمچه به یک شرکت خصوصی، معترضند. کارگران طی نامه‌ای به رسانه‌های خبری از اینکه زندگی بیش از ۴۰۰ کارگر و خانواده هایشان به خطر افتاده است سخن گفته اند.

اعتصاب کارگران و اتوبوسرانان ترمینال زاگرس در اهواز

صبح روز ۲۲ فروردین، کارگران

چند خبر از اعتراضات و مسائل کارگران

تجمع اعتراضی کارگران نساجی بافت های کرمان

کارگران می‌گویند که در این کارخانه هیچگاه طرح طبقه بندی مشاغل اجرا نشده است و کارفرما باید با کارگران بر مبنای سالی ۶ ماه تسویه حساب کند. بنا بر خبرهای منتشر شده، کارفرما قصد دارد زمین ۱۴ هکتاری کارخانه را برای احداث واحدهای مسکونی بفروشد. در جریان این تجمع کارگران به مسوولان گفتند "به جای آوردن پول نفت برسرفرها، اشتغال ما را تضمین کنید". اعتراضات کارگران ادامه دارد.

تجمع اعتراضی کارگران چینی حمید قم مقابل اداره کل کار

صبح روز ۲۲ فروردین حدود ۵۰ نفر از کارگران کارخانه چینی حمید قم در مقابل درب "آداره کل کار و امور اجتماعی" استان تجمع کرده و سپس به سمت دفتر مدیرکل این اداره حرکت کردند. مدیرکل این اداره به کارگران گفت که درخواست خود را کتبا به او ارائه دهند تا اینکه او در صحبتی با سازمان تامین اجتماعی استان، مشکلات کارگران را مورد

روز ۲۲ فروردین تعدادی از کارگران نساجی بافت‌های کرمان به دلیل تعطیلی کارخانه و عدم پرداخت سنوات خدمتشان در محل استانداری کرمان دست به تجمع اعتراضی زدند. بنا به گزارشهای منتشر شده به دنبال اتمام اعتبار قرارداد کار در نیمه اول فروردین ماه امسال، کارفرما تمامی درهای کارخانه را پلمپ و یکصد کارگر را اخراج کرده است. با تجمع و اعتراضات کارگران ناگزیر به حضور در جمع کارگران شده و به کارگران وعده دادند که خواستهای آنان را در نشست بعدی شورای تامین مطرح خواهند کرد. بیشتر اخراج شدگان بالای ۱۰ سال سابقه کار دارند و بدلیل آلودگی هوای کارخانه از ناراحتی ریوی رنج می‌برند و حالا کارفرما آنها را از کار بیکار کرده و حتی حاضر به پرداخت حق سنوات به آنها نیست. بنا بر خبرها هر کارگر اخراج شده بابت سنوات خود از ۱۰ تا ۱۲ میلیون تومان طلبکار است.

ندارد و از وجود ۴ میلیون کودک کار و خیابان سخن در میان است. اعتیاد بیداد میکند و سن تن فروشی به ده سال یازده سال رسیده است. روشن است که اول مه آن جامعیتی را دارد که اعتراض کل جامعه را نمایندگی میکند و باید در این روز همه جا پیا پیا خیزد. و آنوقت در ادامه نزدیک به یکسال جنبش انقلابی اول مه میتواند روزی مهم از روزهای انقلاب مان باشد و سرفصل جدیدی در مبارزات ما علیه جمهوری اسلامی باز کند. اول مه میتواند سرفصل جلو آمدن کارگران با تشکلهایشان، با اعتصابات سراسری شان و با قطعنامه‌ها و بیانیته هایش و قرار گرفتن در صف جلوی اعتراض کل جامعه باشد. نقشی که جامعه انتظارش را دارد و امروز با جنب و جوشی که در جنبش کارگری شاهدش هستیم، با گسترش اعتراضات کارگری و سر برآوردن هیات های موسس شوراهای منشورهای مطالبات کارگری، همه سرها بظرف جنبش کارگری برگشته است. این وظیفه رهبران چپ و رادیکال کارگری است که در چنین قامتی جلو بیایند و برای چنین اول مه ای تلاش کنند.

سازمان تامین اجتماعی به دلیل عدم افزایش دستمزد و عدم پرداخت بخشی از بهره وری و کارانه دست به تجمعی اعتراضی زدند. این تجمعات از قبل از سال جدید شروع شده و کارگران اعلام کرده اند که در صورت تحقق نیافتن وعده‌ها به تجمعات اعتراضی شان ادامه خواهند داد.

اعتصاب کارگران شهرداری آبادان

صبح روز دوشنبه ۲۳ بیش از ۵۰ نفر از کارگران شرکت طریق آفتاب که در شهرداری منطقه ۲ آبادان مشغول به کار هستند در اعتراض به ۳ ماه دستمزد معوقه خود دست به اعتصاب زدند و در شهرداری شهر تجمع کردند. وقتی کارگران با بی اعتنایی مسئولین روبرو شدند، در مقابل شورای شهر به تجمع اعتراضی خود ادامه دادند. تحت فشار این تجمعات به کارگران وعده داده شد که تا هفته آینده دستمزدهای پرداخت نشده شان را پرداخت خواهند کرد. کارگران اولتیماتوم دادند که اگر به این وعده عمل نشود دوباره دست به اعتصاب خواهند زد.

بازتاب هفته

هیچ چیز نمی خواهیم جز زندگی

یاشار سهندی

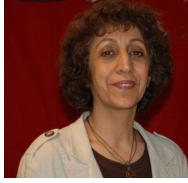
هفته نامه آلمانی "اشپیگل"، دومین ویژه‌نامه‌ی سال ۲۰۱۰ خود را به ایران اختصاص داده است. این مجموعه از چهار بخش اصلی تشکیل شده و شامل مطالبی خواندنی و بحث‌انگیز در مورد جامعه، تاریخ و فرهنگ ایرانیان از دوران باستان تا امروز است. این خبر را سایت دوپچه وله اعلام داشته و در پی آن تحلیلی از این ویژه‌نامه آورده است. مدتی است که تلاش مجددی شکل گرفته است که "ناسیونالیسم ایرانی" را به عنوان یک آلترناتیو در مقابل شرایط موجود مطرح سازند. سالیان درازی بود که تحت عنوان "نسبیت فرهنگی" تلاش شد این گونه القا گردد آنچه که در ایران و کشورهای اسلامی زده حکومت دارد خواسته خود مردم ایران است. اگر خمینی و جمهوری اسلامی در ایران پا گرفته و کشتار و چپاول میکند و با هر چه که مظهر تمدن است مخالفت میکند و سعی در نابودی آن دارد خواسته و فرهنگ خود ما مردم ساکن در ایران است. اگر زنان ما چادر میپوشند خواسته خود زنان قلمداد میشود. اگر کسی را سنگسار میکنند، اگر دیگری را در ملا عام به دار میکشند، اگر به قول شاعر قصابان با کنده و ساطور خون آلود بر گلرگاها مستقر هستند، اگر کودکان ما از حق کودکی شان محروم هستند، اگر جوانان ما جوان بودنشان جرم است، اگر سکس مسئله ای به شدت ضد اخلاقی است، اگر احمدی نژاد رئیس جمهور است، به این دلیل است که گویا طبقات پایین جامعه بخصوص اهالی ساکن در شهرستانها و روستائیان خواستار او هستند و اگر هنوز از قم فتوای جهالت و جنایت صادر میگردد، اگر استشار در نهایت خود حاکم است و اگر های زیاد دیگر، همه و همه نتیجه "فرهنگ خودی و اسلامی" است که گویا ما با جان و دل پذیرفته ایم و خودمان خبر نداشتیم. اکنون که این تیغ فرهنگ اسلامی بر ندگی اش به یمن مبارزات مردم و بخصوص جنبش انقلابی ۱۰ ماه گذشته از دست داده است "فرهنگ خودی" دیگری لازم شده است و آن "عظمت ایران باستان" است. بنا به

تحلیل منتشر شده در سایت دوپچه وله، در یکی از مقالات اشپیگل تاکید شده است "تخت جمشید نمادی از ابرقدرتی باستانی است که در حافظه جمعی ایرانیان حک شده و بر رفتار حاکمان آن تا به امروز تاثیر گذاشته. ... غروری که این گذشته دور در ذهنیت ایرانیان به وجود آورده مرزهای قدرت، واقعیت و توهم را درهم ریخته است." یعنی اینکه حاکمان ایران در همه این دوران طولانی که دست به خوریزی و جنایت زدند بخصوص در دوران معاصر که شاه و جمهوری اسلامی را تجربه کردیم انعکاسی از عقده های ضمیر ناخودآگاه جمعی ایرانیان بوده است نه سود سرمایه در دوران معاصر. و نه تنها دوره معاصر بلکه اگر کمی، فقط کمی به عقب برگردیم تمام دوران قاجار که استبداد خشن فتودالی بر ایران حاکم بوده است، همه تقصیر "حافظه جمعی ایرانیان" است و بس. و البته همیشه "هنر نزد ایرانیان است و بس"!

کدام گوشه تاریخ این کشور را انگشت بگذاریم که خون بر آن نیاشیده اند؟ بر کدام دوران آن تاکید کنیم که حاکمان تسمه از کرده مردم، نکشیده باشند؟ این همه گویا "مشکل روحی و روانی" ما مردم ایران است که بعد از حمله اسکندر و به آتش کشیده شدن تخت جمشید در نهاد ما شکل گرفته است! دوپچه وله تاکید میکند: به زعم نویسندگان (اشپیگل)، فتح ایران و به آتش کشیدن تخت جمشید به عنوان نماد قدرتی جهانی، چنان ضربه‌ای بر ذهنیت ایرانیان وارد آورده که اثر آن تا زمان حال برجا مانده است. ... بیهوده نیست که محمود احمدی نژاد چند روز پیش و در زمانی که کشور در اوج نابسامانی های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار دارد ادعا می کند "ایران قدرتمندترین کشور جهان است." تحلیل گرادامه میدهد: "سرزمینی که مردمانش از سویی با آفرینش بازی شطرنج، هنر فرش بافی، تقویم خورشیدی و نقاشی های مسحورکننده نقش فرانسویان هنرشناس و هنرمند آسیا را دارند، از سوی دیگر بیش از دو هزار سال با کابوس و رویای ابرقدرتی از میان رفته هویت خود را شکل می دهند و بر زخم شکست ها مرهم می گذارند." دقت میکنید با یک چرخش قلم بر همه تاریخ مردم این گوشه کره خاکی عقده فرو خورده شده

حاکم میگردد. عقده های همان مردمی که بر آنها اینهمه ستم روا داشته شده است. ما شاهد بودیم که چگونه به اسم ایجاد آنچه تمدن بزرگ شاهنشاهی و بعد "اجبای" آنچه که تمدن اسلامی نامیده شد روزگار ما را روز به روز سیاه تر کردند. آری ما مردم دوهزار سال است با کابوس روزگار میگذرانیم. بقول شاعر عمر جهان بر ما گذشته است. عمر جهانی سراسر ستم کاری. در این تاریخ هر گاه کسانی سر به طغیان برداشتند واژگون در چاه آهک فرو شدند تا صدایشان در تاریخ گم شود، یا در خاورانها دفن شدند بی آنکه سنگ یادبودی بتوان بر آن نهاد. این بماند همان کسانی که جنایت را سازمان دادند و خاورانها را بر پا ساختند، هم اکنون مدعی اند که دموکراسی میخواهند از نوع سکولاریسم دینی! نیاکان همان کسانی که نیاکان ما را در چاه آهک فرو کردند بر تاریخ دروغین تاکید میکنند که گویا امپراطور مهربانی بوده که با ملاحظت کشور گشایی میکرده است. این رویاهای دروغین را حاکمان ساختند تا ما را وادارند که به زندگی جهنمی خو کنیم. رویای ابرقدرت شاهنشاهی وام الفرائی اسلامی ترتیب دادند تا نگوییم نان میخواهیم و همه آزادی را. میخواهند به ما بقبولانند که شما دارید ابرقدرت میشوید برای همین لازم است زبان به کام بگیرید و هیچ چیز نخواهید. هر که را طاووس خواهد جور هندوستان کشد! برای همین مخوف ترین سازمانهای امنیتی را یکی بعد از دیگری سازمان دادند، و در ایجاد وحشتی بی انتها مدام رکورد یکدیگر را میشکنند. گاهی به ما میگویند شما اسلامی هستید، گاهی میگویند جویای عظمت ایران باستان هستید و این هر دو گویا فرهنگ ما است که خودمان خواستیم. اما یک کلام به زبان نمی آورند که این مردم در پی زندگی متمدن قرن بیست یکم هستند، ما مردم شایسته بهترین زندگی هستیم. برای تحمل این زندگی نکبت باره ما میگویند: نگاه کنید که شما چقدر عظمت داشتید! عظمتی که بر چرخ و خون استوار است. اگر یک چیز در مورد این تاریخ حقیقت داشته باشد اینست که ما مردم میخواهیم این تاریخ، این کابوس چند هزار ساله جور و ستم و کشتار و دیکتاتوری ها را مدفون کنیم. کابوسی که حاکمان برای ما ساخته اند. عظمت ایران باستان و

کودکان: "شهید فهمیده"



شهلا دانشفر

این هفته صادق محصولی پاسدار - وزیر میلیاردر احمدی نژاد در مورد دادن وام به مهد کودکیا سخن گفت. او میگوید کار مهد کودکیا باید به گونه ای باشد که کودکان در سن ۱۳ سالگی یک "شهید فهمیده" باشند. مثل جانور درنده ای که با دیدن گوسفند دهانش آب می افتد، اینها هم با دیدن کودکان به فکر کسب و کار شهید شدن و کشتارگریشان می افتند. شهید فهمیده از نظر این جرثومه جنایت و جهالت و کثافت در واقع یک بسیجی و پاسدار جنایتکار است که بدون و اما و اگر هروقت امثال او و یا رئیسش احمدی نژاد و خامنه ای به آنها فرمان دهد بروی مردم شلیک میکنند و یا جنایات کهریزک و اوین را می آفرینند و آماده مردن در راه امامشان هستند. بدبختهای احمق فکر میکنند تا سیزده ساله شدن کودکان دو سه ساله سرکار باقی میمانند. یا حداقل اینطور وانمود میکنند و خود را به حماقت میزنند که قرار است بمانند و مردم امانشان میدهند. محصولی وزیر رفاه جمهوری اسلامی است. پاسدار میلیاردری که به ادعای خود پولهای امام زمان را به وی سپرده اند. البته این را در پاسخ به کسانی میگوید که به پولهای میلیاردری او نشانه رفته اند و در واقع لب سخنش این است که حساب به کسی پس نمیدهد و این پولها مقدسند. آخرین فرمایشات او را هم که کسی فراموش نکرده است. او ادعا میکند که اصلا همه آمارهای مربوط به خط فقر دروغ است. بانک مرکزی هم دروغ میگوید. و دلیلش هم اینست که مبنای خط فقر جهانی یک دلار در روز است و ما این مبنا را نگاه داشته ایم و بعلاوه کشورهایی هستند چون روندا در آفریقا که شکم کودکان از گرسنگی باد کرده است و "ما به حمد خدا این را

عظمت تمدن اسلامی هر دو پشت و روی یک سکه اند. کسانی که سعی در ضرب این سکه دارند در پی محکم کردن زنجیر استعمار هستند. ما رویای ابر قدرت شدن نداریم که با بمب هسته ای نفس حیات روی کره زمین را تهدید به نابودی کنیم. ما هیچ چیز نمی

در ایران نمی بینیم". این آن رفاهی است که وزیر رفاه جمهوری اسلامی برای "ملت مسلمان" ایران در نظر دارد و این جانور هم وزیر رفاه است. واقعا تنها میتوان گفت شرم بر این وزیر رفاه و این حکومت ضد انسان. در پناه صنعت مذهب، جامعه ای بنا کرده اند با نرخ استشار بی نهایت. ساعت کار طولانی، محیط کار ناامن، دستمزد در حدی که شکم فرزندان از گرسنگی باد نکند و خبری از درمان و بیمه بیکاری و غیره هم نیست. حرف بزنی اخراجی و اگر سخن از تشکل و اتحاد باشد مثل اسانلو و علی نجاتی و فعالین کارگری دیگر و هزاران انسان آزادیخواه دیگر که راهی زندان شده اند، با زندان و سرکوب پاسخ میگیری. تازه محصولی چون وزیر رفاه است از اینها نیز فراتر می رود و دارد روی سر کودکان سرمایه گذاری میکند با این آینه نگری که هر کدام از آنها شهیدی فهمیده در لشکر اسلام باشند. خیالپردازی و ضدیت با حقوق انسانی و در عین حال حماقت تا کجا! محصولی به کودکان نگاه میکند و یاد لشکر حزب الله ش می افتد. این اساس تفکر این جنایتکاران است. همان تفکری که هر روزه در لشکر حزب الله در لبنان شاهد این هستیم که کودکان را به عملیات انتحاری وامیدارند و هر کودک دستپورده این حضرات بقول محصولی یک شهید فهم است. همان تفکری که تا همین جا هزار کودک را قربانی کرده است. تفکری که بوی جنایت و خون میدهد. در مقابل محصولی و همه این جانیان خرفت، انقلابی در جریان است که زندگی ای انسانی را فریاد میزند. منشور مطالبات حداقلش زندگی ای پر از رفاه و شادی برای همه کودکان بلور از هر گونه تبعیض جنستی، مذهبی و قومی و نژادی است، از آزادی و برابری برای همه سخن میگوید و مرگ بر دیکتاتور به شعار هر روزه اعتراض تبدیل شده است. انقلابی که می رود که بساط این جانیان را جارو کند و به جای آن جامعه ای انسانی بنا کند.*

خواهیم جز زندگی. زندگی که نه بر تحقیر و تهدید دیگری بلکه بر شکوه انسان تاکید دارد. دو هزار سال است که این شکوه را از ما دریغ داشته اند و این شکوه هیچ چیز نیست جز خود زندگی. اگر عظمتی هست که هست در اینجا است.*

بازتاب هفته

تقلا نکرد حتی یک سانت

گزارش يك شاهد عینی از يك اعدام در آبادان

صادق نیکو - ایران



۲ دی مردم سیرجان سکوی اعدام را به آتش کشاندند

ساله است. با توجه به زمان انجام جرمش و دستگیری، او زیر ۱۸ سال بوده و با توجه به قانون جمهوری اسلامی، الان که سنش از ۱۸ سال گذشته دارند حکم را اجرا می کنند. در همین حین يك نفر که صورت خود را با جفیه پوشانده بود آمد، چشم جوان اعدامی را با پارچه ای سیاه بست و طناب را با خونسردی کامل دور گردن جوان انداخت و بوم جرتقیل، هوك را به آرامی بالا کشید. من مات و مبهوت برای اولین بار دیدم که چطور با برنامه ی از پیش تعیین شده و زمان مشخص و خونسردی کامل دارند يك انسان را به قتل می رسانند. جوان حتی به اندازه ی يك سانتیمتر هم تکان نخورد، جسم مرده اش همسان جسم زنده اش به آرامی حدود ۴۰ سانت از چهار پایه بالا نگه داشته شد. او هیچ تکانی نخورد. مردم کم کم پراکنده می شدند جرتقیل بوم خود را بالا کشید و جسم بیجان جوان را جهت "عبرت" مردم بالا و بالاتر برد و مدتی در هوا نگه داشت و باد جسم او را به آرامی تکان می داد. منظره ی بی نهایت غیر انسانی. چند دختر دانش آموز که تازه از مدرسه مرخص شده بودند يك باره جسم بی جان جوان را دیدند، یکی از آنها با فریاد و ترس گفت وای خدا! و با دست صورت خود را پوشاند و سر را برگرداند. من دیگر نتوانستم به منطقه ویژه بروم و با اعصاب خرد به خانه برگشتم. دخترم با دیدنم گفت: بابا چی شده؟ گفتم هیچی. گفت: صورتت به جوری شده. به او گفتم دیدم که جوانی را اعدام کردند که ما "عبرت" بگیریم. دخترم با عصبانیت گفت چطور تونستی نگاه کنی، صورت خود را ببین مثل اینکه خودت را اعدام کرده اند. هرگز از ذهنم پاك نمی شود او حتی تکان هم نخورد. مرگ بر اعدام

لهستان، سقوط هوایما و پرشها



بهروز مهرآبادی

روز شنبه ۲۱ فروردین (ده آوریل) هوایمایی رئیس جمهور لهستان لخ کاژینسکی و همراهانش در نزدیکی فرودگاه اسمولنسک در روسیه سقوط کرد. هیچ کدام از سرنشینان هوایما زنده نماند. بر اساس گزارشات منتشر شده ۱۳۲ نفر در این سانحه کشته شدند. همسر و فرزندان رئیس جمهور، چند تن از فرماندهان ارتش و نمایندگان پارلمان، رئیس بانک مرکزی و شخصیت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی از جمله سرنشینان این هوایما بودند. دلیل سقوط این هوایمایی از نوع توپولف هنوز ناروشن است. بعضی رسانه ها آثرا به نام‌ن بودن هوایمهای توپولف مربوط می دانند. مقامات روسی دلیل سقوط هوایما را اشتباه خلبان و وجود مه شدید در محل سقوط اعلام کرده اند. به گفته آنها از خلبان درخواست شده که در فرودگاه مینسک فرود آید اما خلبان از اینکار امتناع کرده است. در حال حاضر رئیس پارلمان اداره امور لهستان را بعهد گرفته و اعلام شده که بزودی انتخابات قبل از موعد، برگزار خواهد شد. لخ کاژینسکی در سال ۲۰۰۵ رئیس جمهور لهستان شد. او به اتفاق برادر دوقلوش یاروسلاو بنیاد گزار حزب "قانون و عدالت" بودند. این حزب مواضع ضد کمونیستی داشته و طرفدار پر و پا قرص کلیسای کاتولیک و گسترش نفوذ کلیسا در امور جاری کشور است. شعار کاژینسکی احیای ارزش های کاتولیک و ریشه کردن فساد بود. در سال ۲۰۰۶ نخست وزیر قبلی را برکنار و برادر خود یاروسلاو کاژینسکی را بعنوان نخست وزیر انتخاب نمود. اما رسوایی هایی بزرگی که بخاطر اختلاس های بزرگ، رشوه خواری و فساد مالی بوجود آمد بحدی بود که حتی پارلمان طرفدار دولت هم نتوانست سکوت کند و رای به عدم صلاحیت

نخست وزیر و برکناری او داد. پس از سقوط سرمایه داری دولتی و قدرت یافتن بازار آزاد فقر، اختلاف طبقاتی و فساد مالی رشد بی سابقه ای یافت. در طول بیست سال گذشته لهستان مهره ای در جدال و معاملات بین آمریکا و روسیه و اتحادیه اروپا بوده که برای مردم این کشور نتیجه ای جز فقر و خانه خرابی بیشتر به همراه نداشته است. روسیه همواره لهستان را بعنوان منطقه نفوذ خود به حساب آورده و ناراضیاتی خود را از نزدیکی رابطه لهستان با غرب ابراز کرده است. دولت لهستان در سال ۱۹۹۹ عضویت ناتو و در سال ۲۰۰۴ به عضویت اتحادیه اروپا درآمد. در اوت ۲۰۰۸ با دولت آمریکا قرارداد استقرار سیستم دفاع موشکی آمریکا را امضا نمود. دولت آمریکا اعلام کرد که هدف این طرح جلوگیری از حمله موشکی ایران به حوزه نفوذ ناتو در اروپا است. اما این طرح موجب اعتراض شدید دولت روسیه شد و دولت این کشور اعلام نمود که موشک های تاکتیکی خود را در نوار مرزی اروپا مستقر خواهد کرد. واکنش دولت روسیه و فشار آن روی اتحادیه اروپا بعنوان بزرگترین طرف معاملات تجاری این اتحادیه موجب شد که در سپتامبر سال گذشته باراک اوباما انصراف آمریکا را از استقرار این سیستم موشکی اعلام کند. هر چند گفته می شود که بحران عمیق اقتصادی در این تصمیم گیری بی تاثیر نبوده اما از طرف دیگر صحبت از این است که آمریکا بوجود آوردن يك سیستم موشکی پیشرفته تر را در اوکراین و لهستان برنامه ریزی می کند. مخالفت دولت لهستان مانع موافقت نامه روسیه و اتحادیه اروپا برای امضای يك موافقتنامه همکاری ده ساله اقتصادی شد. نفوذ آمریکا در این سیاست لهستان بی تاثیر نبوده است. دولت روسیه هم با فشارهای اقتصادی به لهستان و

اتحادیه اروپا بویژه با استفاده از نیاز اتحادیه اروپا به منابع انرژی و گاز روسیه پاسخ داد. رئیس جمهوری لهستان و هیئت همراهش قرار بود که در مراسم یادبود هفتادمین سال کشته شدن بیش از بیست هزار افسر و اشراف لهستانی که کشته می شود در محلی به نام کاتین به دستور استالین کشته شدند، شرکت نمایند. این سفر قرار بود روابط بین دولت های روسیه و لهستان را بهبود بخشد. کشته شدن افسران لهستانی در کاتین در مارس ۱۹۴۰ همواره حملات ضد کمونیستی و ضد آزادیخواهی و برابری طلبی و تفویض ناسیونالیسم و کلیسا بوده است. آینده لهستان مورد بحث است. آنچه که این روزها متخصصان سیاست جهانی و رسانه های سرمایه داری به آن می پردازند بیشتر بر سر این است که نوع هوایمایی مسافرتی رهبران حکومت ها را از نوع مطمئن تر انتخاب کنند و یا اینکه از سفر جمعی این رهبران در يك هوایما خودداری شود. فعلا سر و صدا به راه افتاده است که آیا می توان جنازه رئیس جمهور را در مقبره شاهان قدیم دفن کرد یا نه. اما آنچه که درباره آن صحبت نمی شود آینده مردم لهستان است. فقر و فلاکت روز افزون را چگونه می توان درمان کرد؟ برای بیکاری و بیخانمانی چه چاره ای می شود پیدا کرد؟ چطور می توان مانع نفوذ روزافزون کلیسا و خرافات در زندگی مردم و سیاست و امور اجتماعی شد؟ پاسخ این سوال را باید در جای دیگری جستجو کرد. و این همانجایی است که رئیس جمهور سابق و کل حاکمان لهستان تلاششان این بوده است که در سایه جنایات حکومت‌های نوع استالینی و تجربه شکست خورده سرمایه داری دولتی، جامعه و مردم لهستان را از آن هرچه بیشتر دور کنند یعنی کمونیسم و سوسیالیسم کارگری.*

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

زنده باد سوسیالیسم!

بازتاب هفته

ده برابر شدن قیمت گاز و انفجار اجتماعی



محمد شکوهی

وزیر نفت جمهوری اسلامی اواسط هفته گذشته اعلام کرد که پیشنهاد ۱۰ برابر شدن قیمت مصرف گاز خانگی را ارائه داده است. سایت آتی نیوز "از سایتهای وابسته به اصول گرایان در مطلبی تحت عنوان "افزایش شیب قیمتها موجب انفجار اجتماعی خواهد شد" در این رابطه نوشته است " ۱۰ برابر شدن قیمت گاز، در کنار چند برابر شدن قیمت برق و آب و از همه مهم تر چند برابر شدن قیمت بنزین حتی با وجود دریافت یارانه های نقدی (به ازای هر نفر حداکثر ۲۰ هزار تومان) و درصدی افزایش حقوق، مساوی است با قتل عام خانوارهای حقوق بگیر و کم درآمد شهری و روستایی" حدود چند هفته پیش هم وزارت نیرو اعلام کرد قیمت برق نیز ۱۵ درصد افزایش خواهد یافت. در کنار این اخبار خبر گران تر شدن بنزین و سایر مواد سوختی مورد مصرف مردم این روزها ورد زبان مقامات رژیم است. این اخبار در حالی اعلام می شود که جمهوری اسلامی و دولت احمدی نژاد طرح "هدفمند کردن یارانه ها" را در بوق و کرنا کرده اند. بنابر ادعاهای مقامات دولتی هدف از هدفمند کردن یارانه ها "توزیع عادلانه" و در دراز مدت تثبیت قیمتها بوده تا بدین وسیله قدرت خرید اقشار فقیر جامعه را بالا ببرند. از اول هم معلوم بود که اثرات و تبعات حذف یارانه ها گرانتر شدن سریع کالاها و بویژه مواد سوختی مورد نیاز مردم، گرانی بالای ۴۰ درصد و تورم سالانه ۳۰ درصد را به دنبال خواهد شد. مسئولان و مقامات دست اندرکار این طرح در طول این چند ماهه گذشته هر بار که صحبتی از یارانه ها کرده اند، مدام بر گرانتر شدن و افزایش قیمت ها تاکید کرده اند. در کمال وقاحت و بی شرمی در کنار طرح هدفمند کردن

یارانه ها، بسته های ریاضت کشی اقتصادی و طرح های گرانی را نیز اعلان کرده اند. مقامات حکومتی با این اظهارات در تلاش بوده و هستند که افزایش قیمتها بویژه مواد سوختی و کالاهای اساسی مورد مصرف عموم مردم را نتیجه "طبیعی" طرح هدفمند کردن یارانه به مردم حقه کرده و وعده "تثبیت قیمتها" را در آینده ای نه چندان دور که طرحشان عملی گردید، به مردم بدهند. اینها کلی دروغ و کلک و وعده و وعید سر هم کرده اند که به مردم بقبولانند که همه چیز درست خواهد شد، فقط مردم باید کمی "تحمل" گرانی را داشته باشند که خود این امر گویا به مهار تورم کمک خواهد کرد. اما تمام سران جمهوری اسلامی این را میدانند که با این سیاستهایشان فقط آتش اعتراض و مبارزه مردم را شعله ورتر کرده و بقول آتی نیوز "انفجار اجتماعی را بیش از پیش دامن خواهند زد. سوال برای حکومتیان اینست که آیا حکومت خواهد توانست این سیاستهای ضد کارگری و ضد مردمی اش را براحتی و بدون "درس" عملی نمایند؟ همه شواهد و قرائن و اعترافات بخشهایی از حکومت نسبت به این امر نشان میدهد که اکثر سران رژیم در عین اینکه در فضای فلاح اقتصادی خود را ناچار به هوا کردن یک "فیل اقتصادی" میدانند اما به نتیجه آن اصلا خوشبین نبوده و حتی اعلام خطر کرده و در مباحث شان مثال قزاقستان و سرنگونی حکومت این کشور را به همدیگر گوشزد می کنند. در واقع کارگران و مردم ایران بسیار پیش از این طرحها و گرانی هایی که در راه است، با فقر و گرانی و بیکاری گسترده دست و پنجه نرم میکنند و راه خود را پیدا کرده اند و آن انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. سیاستهای تازه اقتصادی حکومت تنها این را تاکید میکند که هرچه زودتر و قبل از اینکه این حکومت فجایع تازه ای را به مردم تحمیل کند که به قول این سایت حکومتی معنایش "قتل عام خانوارهای حقوق بگیر و کم درآمد شهری و روستایی" خواهد بود، باید کار این حکومت را تمام کرد!*

فجایع طبیعی، خرافه و انسانیت!



غلام اکبری

یکی از داغ ترین خبرهای امروز پنجشنبه ۱۵ آوریل این بود که بسیاری از شرکت های هواپیمایی اکثر پروازهایشان را متوقف کرده اند. علت آن وجود ستونهای بلند خاکستر است که باعث فعال شدن یک کوه آتشفشان در ایسلند در هوا به حرکت در آمده است و کشورهای متعددی را آلوده کرده است. ابری از خاکستر آتشفشانی منطقه را گرفته است که برای پرواز هواپیماها خطرناک است. در سوئد و ایسلند و انگلستان و برخی کشورهای دیگر به نحوی حالت فوق العاده اعلام شد. خوشبختانه این ستونهای عظیم خاکستر تاکنون تلفاتی نداشته است. اما از این خبر به یاد خبر اصلی تعطیلات آخر هفته گذشته افتادم، بله زلزله در چین و بعد زلزله در شیلی و هائیتی، رویدادها و فجایع طبیعی که طبیعی اند و اینجا نمیخواهیم به این بپردازیم که اگر دولتمردان و مردم هائیتی مثل شیلیایی ها میجنبیدند و از قبل قدری آماده مقابله با فجایع بودند، اگر ساختمانها متناسب با زلزله خیز بودن منطقه ساخته میشد، اینقدر انسان یعنی حدود ۳۰۰ هزار نفر از بین نمیرفتند و عمق فاجعه در هائیتی اینقدر عمیق نبود. و .. به این فکر میکردم که یک چیز مثبت حداقل در این خبرهای فجایع طبیعی پیدا کنم که حداقل قدری به خودم و امثال خودم دلداری بدهد. آدم خسته میشد از اینکه هر وقت پیچ رادیو و تلویزیون را باز میکند (فیس بوک و تویتر هم تازه اضافه شده اند) در جریان قرار میگیری که زلزله آمده یا سیل و طوفان و آتشفشان یا انسانیت کشتی میگیرد و کشتار میکند. از بلاهایی که بعضی ازبه اصطلاح انسانها بر سر دیگر همونعاشان میاورند بگذریم. فقط میخوام از فجایع طبیعی بگویم، آنهم یک چیز مثبت، لابلای این همه زلزله و طوفان و خاکستر آتشفشان ... حتما بعضی ها میگویند همبستگی

بین انسانها تنها جنبه مثبت این مواقع است. آری حق دارید، چیزی که در درجه اول به ذهن آدم می آید همین است که انسانها در این مواقع مرز و ملیت و رنگ و نژاد را فراموش میکنند. شخصا اولین بار این همبستگی را سالهای انقلاب ۵۷ تجربه کردم. دیدم که مردم چگونه به هم کمک میکردند. آن روزها برای اولین بار دیدم که انسانها بر خلاف ضرب المثل معروف که میگه: "آسه برو آسه بیا که گریه ساختن زننه" نه تنها حواسشون صرفا به کلاه خودشون نیست که باد نبره!، نه تنها فقط به فکر این نبودند که گلیم خودشون را از آب بکشند، بلکه به همه انسانها (البته اگر لباس دفاع از حاکمیت را برتن نداشتند) به چشم یک عضو خانواده شان نگاه میکردند. و وقتی که آب گلیم همسایه شان را میخواست برد بدون ترس از اینکه لباسشان خیس شود، دو قدم جلو میگذاشتند و گلیم همسایه را نجات میدادند. واقعا هیچ چیزی شکوهمند تر از مردم همبسته ای نیست که برای ایجاد یک زندگی لایق انسانیت به میدان آمده اند و تلاش میکنند. برگردیم به فجایع طبیعت و انسانیت. حوصله تان را سر نبرم! دو تا تصویر را جلوی چشم خود تصور کنید! تصویر اول: چیزی حدود هزار سال پیش از این در اروپا. خبر



تجمع اعتراضی ۱۵۰۰ دانشجوی دانشگاه بیرجند
روز ۲۴ خرداد صدها دانشجوی دانشگاه بیرجند در اعتراض به وضعیت نابسامان این دانشگاه و سیاست های تهدید آمیز دانشگاه و دزدیهای مسئولین دانشگاه، دست به تجمع اعتراضی زدند. در این تجمع اعتراضی که حدود ۱۵۰۰ دانشجو در آن شرکت داشتند، دانشجویان با بستن مسیر ورودی به مجموعه دانشگاه خواهان استعفای مدیری دبیس دانشگاه شدند. در برابر فشار اعتراض دانشجویان، نیروهای بسیج و حراست در صدد تهدید آنان و پایان دادن به تجمع بودند که موفق نشدند و هنگامی که یکی از بسیجیان میخواست برای دانشجویان سخنرانی کند با شعار بسیجی برو گم شو روبرو شد و مجبور گردید محل را ترک کند. بنا به گزارشات رسیده در پی این تجمع گسترده دانشجویان مدیری رئیس دانشگاه طی تماس تلفنی استعفای خود را اعلام کرد.

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

سیر انقلاب ایران و ...

حمید تقوایی

از صفحه ۱

اسلامی دوره خمینی سود جست، به این ترتیب پارادوکس سبز "حفظ نظام با اتکا به خیابان" از وسط می‌شکند. موسوی و پیروانش بیش از پیش خود را در برابر مردم "ساختار شکن" می‌بندند و تاکتیک استفاده از اهرم خیابان برای حفظ نظام، جای خود را به تاکتیک دفاع از نظام در برابر خیابان می‌دهد. و روشن بود که چنین خواهد شد. در تسویه حساب با جناح غالب بر سر شیوه‌های متفاوت حفظ نظام، نمیتوان خود نظام را هزینه کرد. و همین پارادوکس و تناقض است که جناح موسوی و کل نیروهای اپوزیسیون حافظ نظام را به بن بست و آخر خط کشانده است.

یک نقطه اوج انقلاب حاضر، که به نحو بارز و برجسته ای این تناقض را آشکار کرد، شش دیماه (روز عاشورا) سال گذشته بود. انقلاب در این روز به قیام و وارد آوردن ضربه نهانی به رژیم بسیار نزدیک شد. در این روز مردم نه تنها به نیروهای مسلح حکومت بلکه به همه نیروهای حافظ نظام و کل اپوزیسیون راست و هراسان از انقلاب، پاسخ کوبنده و درخوری دادند. در این روز به اعتراف فرمانده نیروهای انتظامی تهران اگر ۶ منطقه تهران که از کنترل نیروها انتظامی خارج شده بود به هم می‌پیوستند "تهران سقوط میکرد". و این خطر سقوط نظام همچنان بر بالای سر حکومت و کل نیروهای حافظ نظام در چرخش است.

با این همه چنین به نظر میرسد که بعد از شش دی انقلاب سیر نزولی داشته است یا بعبارت بهتر آن توقعات و انتظاراتی که حرکت کوبنده مردم در روز شش دی موجب شده بود تا کنون بی پاسخ مانده است. اما آیا واقعا جنبش رو به افول است؟ آیا شش دی دیگری، این بار تا به انتها بردن کار، تا "سقوط تهران"، در پیش خواهد بود؟

به نظر من آنچه امروز شاهد آن هستیم نه شکست و توقف حتی سیر نزولی انقلاب بلکه دوره گذار موقت، گذار به مراحل عالیتر و پیشرویهایی بیشتر است. چرا که:

اولا- هیچکدام از مسائل پایه ای که زمینه‌های این جنبش را می‌سازد- فقر، بیحقوقی، اختناق، سرکوب، فساد و توحش و قساوت حکومت و

غیره- نه تنها فروکش نکرده بلکه از آغاز این حرکت تا امروز بمراتب تشدید نیز شده است. جنایات و کشتارهای حکومت در این دوره، در کنار افزایش تورم و بیکاری و تشدید فقر و بی‌تامینی- که با طرح یارانه‌ها ابعادی بیسابقه به خود خواهد گرفت- بیش از پیش جامعه را به سوی یک وضعیت انفجاری سوق میدهد.

ثانیا- حکومت با تمام بگیر و بندها و موج اعدام‌های که پراهنده است، نتوانسته جامعه را مرعوب و مایوس کند. مردم همانطور که در آخرین برآمد اعتراضی وسیع خود در چارشنبه سوری نشان دادند، مترصد آن هستند که از هر فرصتی برای اعتراض و مقابله با حکومت استفاده کنند. جامعه نه تنها مرعوب و سرخورده نیست بلکه در کمین یورش کوبنده تراست.

ثالثا- صفوف حکومت همچنان بسیار درهم ریخته و آشفته است. حاکمی از انسجام و وحدت کلمه و تمکین و اقتدا به ولی فقیه در میان جناحهای حکومت وجود ندارد- هیچگاه رهبر تا به این حد در میان حکومتی بی‌اتوریته و بی اعتبار نبوده است- و حتی در میان اصولگراها کشمکش بر سر سیاستها و جهتگیریهای دولت- از جمله طرح جراحی اقتصادی- بالا گرفته است. این آشفتگی نتیجه مستقیم انقلابی است که زمین را زیر پای بالاینها داغ کرده است و بنوبه خود زمینه ساز پیشرویهایی بیشتر جنبش انقلابی مردم است.

رابعا- حکومت در یک سطح توده ای و وسیع در ایران و در کل دنیا به عنوان یک حکومت جنایتکار و ضد انسان رسوا و افشا شده است. در سطح جهانی گزارشات مستند از مبارزات قهرمانانه مردم ایران و ابعاد دهشتناک جنایات رژیم و بزرگداشت ندا و نداها، و در خود ایران فریاد مرگ بر دیکتاتور و اصل ولایت فقیه و به آتش کشیدن تصویر خامنه ای و خمینی در خیابانها، به یک شاخص و واقعیت عادی رویدادهای سیاسی تبدیل شده است. امروز جمهوری اسلامی در سطح افکار عمومی مردم در ایران و در منطقه و در سطح کل دنیا، هم ارز حکومت‌های جانی ای نظیر دیکتاتوری پینوشه و یا نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی شناخته

شده است، و در مقابل جنبش حمایتی گسترده ای از اعتراضات مردم ایران در ابعاد جهانی شکل گرفته است. بعبارت دیگر توازن قوا میان رژیم اسلامی و مردم متنفر از این رژیم و کل چهره سیاسی ایران در افکار عمومی جهانیان برای همیشه به نفع توده مردم انقلابی و به ضرر رژیم جنایتکار اسلامی تغییر کرده است و این یک دستاورد غیر قابل بازگشت انقلاب جاری و یک عامل مهم در بجلو سوق دادن آن است.

عوامل دیگری (نظیر رابطه میان دولتهای غربی و جمهوری اسلامی، مساله بحران هسته ای، تضعیف موقعیت منطقه ای رژیم، و غیره) را میشود به این لیست افزود اما تا همین حد نیز برای نشان دادن سیر و روند صعودی انقلاب کافی است. حرکت از آخرین رویدادها و با هر پیشگی نوید و یا امیدوار شدن حداکثر یک شیوه سطحی ژورنالیستی است که نمیتواند سیر و روند واقعی تحولات سیاسی را بدرستی بشناسد و بشناساند. اندک تعمقی در وضعیت سیاسی ایران بر مبنای واقعیات فوق هر ناظر منصفی را به این نتیجه میرساند که همه عوامل بر اعتلا و پیشرویهایی بیشتر انقلاب جاری در ایران دلالت میکنند. زمین لرزه های بزرگ هنوز در راه است.

اما این پیشروی خودبخود حاصل نخواهد شد. بقول فرماندهان انتظامی رژیم برای "سقوط تهران" مبیایست مردم قیام کنند به هم می‌پیوستند و این "پیوند" مستلزم عمق یافتن و متشکل شدن مبارزات مردم در سطحی فراتر از راهپیماییها و تظاهرات خیابانی است. ما از ابتدا بر ضرورت متشکل شدن مردم در سطح محلات و در کارخانه ها و مراکز تولیدی و محل کار، بر ضرورت بمیدان آمدن و روی آوردن جنبش کارگری به مبارزه سیاسی، بر ضرورت فعال شدن بخشهای مختلف جامعه با نهادها و ارگانها و ان.جی.او.های علنی خود و با طرح خواستههای مشخصشان در قالب اطلاعیه ها و بیانیه های اعتراضی، بر ضرورت روی آوری بر اشکل دیگر اعتراض نظیر تحصننها و اعتصابات در کنار تظاهرات خیابانی، و در یک کلام بر ضرورت متعین شدن هر چه بیشتر انقلاب هم از نظر مضمون و هم از

لحاظ اشکال مبارزاتی تاکید کرده ایم، و پیشبرد این وظایف يك وجه مهم فعالیت حزب ما در این دوره بوده است. در عین حال همیشه گفته ایم که انقلاب يك سیر پیشروی خطی و یکنواخت ندارد بلکه دوره های افت و خیز و مراحل مختلفی را پشت سر خواهد گذاشت. مقطع حاضر یکی از این نقاط عطف است و متعین شدن بیشتر اعتراضات، در ابعاد و به معانی ای که گفته شد، حلقه اصلی فراتر رفتن به مراحل بالاتر است. در برداشتن این گام بجلو امروز بویژه رهبران عملی و فعالین چپ در جنبش کارگری، در جنبش دانشجویی و در جنبش رهائی زن نقش تعیین کننده ای ایفا میکنند.

انقلاب را نه توانسته اند از رویرو بگویند و نه برای آن از میان نیروهای "حافظ نظام" رهبر بتراشند. مردم این تلاشها را تا امروز به عقب زده و خنثی کرده اند. و این خود يك شاخص و نتیجه نفوذ اجتماعی چپ و افق و سیاست و آرمانهای انقلابی و انسانی چپ در جامعه است.

امروز صفتی که عملا میان توده مردم بجان آمده و بیخاسته از یکسو و کل حکومت با تمامی جناحها و نیروهای اپوزیسیون حافظ نظام و نیروهای راست ترسان از انقلاب از سوی دیگر بوجود آمده است بیش از پیش چپ انقلابی جامعه را بمیدان فرا میخواند. انقلاب به قد علم کردن يك نیروی رادیکال و سازش ناپذیر و نماینده آمال و خواستههای عمیقاً انسانی کارگران و زنان و جوانان نیازمند است، و در عین حال خود زمینه های عروج این نیرو را فراهم میکند. انقلابی که نارهبران از بالا مهندسی شده را نمیبذیرد، نیروی واقعی خود را نیز بجلو میراند. نیرویی که به انقلاب باور داشته باشد، نفوذ عمومی و اجتماعی چپ جامعه را نمایندگی کند و برای بسط و تعمیق و بجلو سوق دادن انقلاب و به پیروزی رساندن آن بمیدان بیاید. این خط و سیاستی است که حزب ما فعالانه و با تمام توان و امکانات خود دنبال میکند و این افق و جهتی است که جامعه بیخاسته ایران برای رهائی از شر جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی و برابری عمیقاً به آن نیازمند است.*

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

ده سال پس از کنفرانس برلین...

از صفحه ۱

و حقیقتی کتمان میشود. و این هردو مهم است. آنچه حقیقت دارد اینست که کنفرانس برلین پروژه ای بود که قرار بود از طریق آن اپوزیسیون دوم خردادی بیرون نظام با جناح "اصلاح طلب حکومت"، پیوندی محکمتر برقرار کنند و از این طریق پای جمهوری اسلامی "اهلی شده" را به سطح بین المللی و به میان ایرانیان در خارج کشور باز کنند، و راه مقبولیت جمهوری اسلامی در میان دولتهای غربی را هموار نمایند. و آنچه کتمان میشود این است که این جماعت نه "علیه نظام اسلامی" بلکه برای حفظ نظام اسلامی تلاش و تقلا میکردند و این کنفرانس نیز قرار بود همین کار را بکند و سخنرانان اکثرا از "برو بچه های" سپاه و اطلاعات و دم و دستگاه سرکوب و جاسوسی حکومت بودند و در کنفرانس کذایی هم تا آنجا که فرصتی برای حرف زدن پیدا کردند از نظامشان و جنایاتش دفاع کردند. این کنفرانس در واقع پروژه نجات جمهوری اسلامی بود. و اگر اینچنین مفتضحانه شکست نمیخورد قطعا سران اصلی حکومت هم با آن مشکلی نداشتند و احساس شادی و پیروزی میکردند. اما همانگونه که اشاره شد شهرت کنفرانس برلین بخاطر اینها نبود. بلکه آشکارا به دلیل شکست آنها توسط کادرهای حزب کمونیست کارگری و مردم سرنگونی طلب بود. بخاطر برافراشته شدن پرچم انقلاب و سرنگونی بر لاشه کنفرانس بود. این آن چیزی بود که کنفرانس برلین را به شهرت رساند. مقاصد پشت آنرا بر ملا کرد. و ضربه ای کاری به پیکر جمهوری اسلامی و جناح دوم خردادی آن و اپوزیسیون مدافع نظام یعنی کل جریانات لیبرال اسلامی زد. و وقتی که با تظاهرات و شعار دادن مخالفین کنفرانس کذایی بهم ریخت، مینا احدی یکی از سازماندهندگان اصلی کنفرانس آلترناتیو حزب کمونیست کارگری در برلین پشت میکروفون رفت و گفت "من از طرف مردم ایران اعلام میکنم که جمهوری اسلامی باید سرنگون شود و مردم علیه تمام جناحهای حکومتند و اینها که اینجا جمع شده اند هیچ ربطی به مردم ندارند" (نقل به معنی) این پیام اصلی ای بود که

هرکسی نشان میداد که تا چه حد تا مغز استخوان با ارتجاع اسلامی تنیده شده اند. رسانه هایی مثل بخش فارسی بی بی سی نیز به این تبلیغات تا آنجا که میتوانستند کمک کردند. جلوی اینها میکروفن گذاشتند و خود در وارونه جلوه دادن حقایق کنفرانس و ضد کنفرانس برلین فعالانه مایه گذاشتند. و جالب تر اینست که همین اخیرا هم به مناسبت دهمین سالگرد کنفرانس برلین در تلویزیونشان برنامه گذاشتند و یک کلمه از آنچه که همه میدانستند و از آن خبر داشتند، یعنی از نقش کادرهای حزب کمونیست کارگری در شکست این کنفرانس و سخنرانیهایشان سخن نگفتند. و آنچنان رپرتاژی تهیه کردند که گویی این کنفرانس به خوبی و خوشی پیش رفته است و گنجی و کدیور و بقیه آمده اند حرفشان را زده اند! اما طی چند سال گذشته هرچه بیشتر در این زمینه علیه ما حرف زدند به ضد خودشان تبدیل شده است. در یک کلام میتوان گفت انقلابی که اکنون در ایران در جریان است، ده سال پیش در جریان شکست کنفرانس برلین صدایش طنین انداز شد، و حزب انقلاب پا را وسط در گذاشت و اعلام کرد که نیکگزاریم حکومت منحوس اسلامی سرمایه داران را کسی تطهیر کند. امروز نیز آنچه باید بگوییم و گفته ایم اینست که این انقلاب صاحب دارد، خط دارد، نیرو دارد و نیکگزاریم کسی آنرا در باتلاق حفظ یک جناح حکومت مدفونش کند و نگذاشته ایم. دوره اینکه بشود با رسانه های نوکر حقایق را تحریف کرد و برای انقلاب رهبر و امام تراشید نیز گذشته است. یک جریان مستحکم و بالنده و اجتماعی از بیش از ده سال پیش تا کنون هرروز قدرتمند تر پیش آمده است و امروز بطور شفاف و با خواستهایی بسیار رادیکال و انسانی در مقابل ارتجاع اسلامی سرمایه داران ایستاده است. این را نه میشود کتمان کرد نه اجازه میدهیم به انحرافش بکشاند. شکست کنفرانس برلین به هیجده تیر و به ۱۶ آذرها و جنبشهای زنان و اول ماه مه ها و هشت مارسها و انقلاب امروز پیوندی تنگاتنگ دارد و در تاریخ این جامعه با دقایق خود ثبت شده است. *

مشغله وزارت بهداشت: حجاب در دانشگاه



سیامک بهاری

اول کمی تامل کنید، خبر زیر را اگر هم قبلا خوانده اید و خنده اید، ضرر ندارد، باز هم بخوانید: "به گزارش مهر، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در هدایت و ساماندهی برنامه های گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در دانشگاههای علوم پزشکی کشور کمکهای مالی را به پنج دانشگاه اختصاص داد. کمکهای مالی مورد اشاره پس از تدوین طرح ملی تبیین جایگاه عفاف و حجاب در دانشگاههای علوم پزشکی کشور و تلاش ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی وزارت بهداشت اختصاص داده شده است. در حال حاضر برنامه های نوزده دانشگاه علوم پزشکی کشور به ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی وزارت بهداشت رسیده و در مرحله اول دانشگاههای علوم پزشکی یاسوج، زابل، کردستان، قزوین و سبزوار کمکهای مالی را دریافت کردند." بله درست است. وزارت بهداشت قرار است برود پول خرج کند و تا با توسری، روسری و چادر را بر سر دانشجویان میخکوب کند! حالا چرا از این همه وزارت بی در و پیکر، قرعه به نام وزارت بهداشت افتاده است، باید دقیق شد! قرار نیست وزارت بهداشت، به جای اختصاص بودجه برای میلیونها مردمی که بخاطر فقر تحمیلی حکومت اسلامی از دسترسی به دارو، درمان و بهداشت اولیه محروم گشته اند، میلیونها معنای که به درمان فوری و اضطراری برای ترک اعتیاد محتاجند، میلیونها کودکی که رسماً از سوء تغذیه رنج میبرند و هزار و یک کمبود و فوریتهای بهداشتی و درمانی که دامن مردم ایران را گرفته است، بودجه ای اختصاص دهد. "ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی در محل معاونت دانشجویی و فرهنگی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی" (چقدر طول کشید تا فقط اسم این مرکز را بخوانید؟! قرار است پول خرج گسترش چادر و مقنعه کند! سه دهه ترویج اسلام در دانشگاه و محیط های

آموزشی و کل جامعه، نتیجه اش این شده که این "تاجیان نبوغ" از بودجه ناچیز وزارت بهداشت که اصل دخل و خرج کارمندان را هم نمی تواند تامین کنند، به ضرب ستادهای امنیتی مانند ستاد صیانت و یا هر کوفت و زهر مار دیگری هراسان و چنین مضحک بودجه برای حجاب در دانشگاههای تحت امر وزرات بهداشت اختصاص دهند. این طرح ها و ستادها نه یکبار و دو بار بلکه سه دهه است توسط دانشجویان گومالی میشوند پنبه شان زده میشود، حسابشان را کف دستشان میگذارند! دوباره از گور بی نام و نشانی سر بر می آورند. طرح لباس و یا اونیو فرم یک شکل برای دانشجویان در فضای اعتراضی دانشگاهها سقط شد! با عقب نشینی مفتضحانه ای پشت صحنه رفت. جلیل دارا معاونت دانشجویی و فرهنگی وزارت بهداشت میگوید، "در راستای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در دانشگاهها و با توجه به تأکیدات وزیر علوم مبنی بر اینکه دانشگاهها باید به سمت فرهنگ ایرانی اسلامی حرکت کنند در بحث عفاف و حجاب دانشجویان و در کل ظاهر دانشجویان برنامه هایی را در دستور کار داریم. پیش از این قرار بود الگوهای خاصی برای این منظور طراحی و ارائه شود اما در حال حاضر در نظر نداریم فرم واحدی از لباس را مانند مدارس برای دانشجویان به ویژه دانشجویان دختر در نظر بگیریم." حالا نوبت به وزرات بهداشت رسیده که شانس خود را به موازات طرح امنیت اجتماعی امتحان کند! اما یکی دیگر از کار بدستان رژیم ماجرا را عریا تر و قدری ناشیانه رو میکند: محمد تقی رهبر، رئیس مجمع روحانیون مجلس شورای اسلامی رسماً خواستار مبارزه با بدحجابی می شود و می گوید: "از فرمانده نیروی انتظامی تهران و مسئولان وزارت کشور دعوت کرده ایم تا در جلسه ما حاضر شوند و توضیح دهند چرا ما امروز شاهد معاشقه های آشکار روی نیمکت پارکها هستیم که به صورت عادی در جریان است؟! برای مبارزه با گسترش بدحجابی چه برنامه هایی دارند؟! حالا با این حساب، دیگر ستاد صیانت سرکوب و تحمیل حجاب کارش دقیقاً معلوم است. قرار شده همه بسیج شوند و از این میان وزرات بهداشت، برود سراغ نوزده دانشگاه کشور و در آغاز فصل گرما، در دانشکده های علوم پزشکی

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

۱۱ نفر در سه روز در ایران اعدام شدند.

مظهره بهرامی به اعدام محکوم شد و دهها زندانی تحت فشارهای شدید قرار دارند.

اعتصاب غذا در زندان ارومیه

نگهداری مواد مخدر کشت. مرتضی ۴۰ ساله، قادر ۳۲ ساله و غلامرضا ۳۸ ساله، چند ساعت قبل در ایران اعدام شدند.

زینب جلالیان به نقطه نامعلومی منتقل شده و کسی از سرنوشت او مطلع نیست. مظهره بهرامی ۴۱ ساله به اعدام محکوم شد. او در جریان تظاهراتهای اخیر در ایران دستگیر شده و به همراه همسر و پسرش در زندان بود.

در زندان اردبیل بهروز علیزاده، و دود سعادت و رحیم غلامی به اعتصاب غذا دست زده اند. در زندان ارومیه هفده نفر زندانی سیاسی به اعتصاب غذا دست زده اند و گفته میشود زندانیان عادی نیز تمایل دارند به این اعتصاب غذا بپیوندند.

زهر اسپور گرجی ۵۱ ساله از روز ۲۲ فروردین به نقطه نامعلومی منتقل شده است....

ولایت این نوع اخبار طولانی است.

ما باید در مقابل این جنایات وقیحانه و بیشرمانه حکومت اسلامی به پا خیزیم و متحدانه اعتراض کنیم. بویژه در خارج از کشور میتوان کارهای زیادی انجام

به مردم آزاده در ایران و در دنیا! موج جدیدی از اعدامها در ایران شروع شده، موج جدیدی از اعمال فشار به زندانیان، انتقال زندانیان به سلولهای انفرادی، تحت فشار گذاشتن زندانیان به اعتراف به جاسوسی و فجایع متعددی در زندانهای حکومت اسلامی اتفاق می افتد. جانین حاکم بر ایران، برای ساکت کردن مردم منجر از حکومت به هر جنایتی دست میزنند. قتل و شکنجه و تجاوز و جنایات بیشرمانه، جان و امنیت زندانیان سیاسی بسیاری را تهدید میکند. بسیاری از زندانیان بی نام و نشان را حکومت اسلامی تا حد مرگ شکنجه میکند و این زندانیان در این شرایط وحشیانه، تنها راه اعتراضی را در اعتصاب غذا می بینند و در ادامه اعتصاب غذا جان تعداد بیشتری به خطر می افتد. به این فجایع باید متحدانه اعتراض کرد. نباید ناظران ساکت این فجایع باشیم. باید کاری کرد!

حکومت اسلامی ایران در یک روز در زندانهای مشهد و تایباد، هشت نفر را اعدام کرد. امروز دوشنبه در اصفهان سه نفر را به اتهام

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
 - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۳- لغو مجازات اعدام
 - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
 - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
 - ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
 - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
 - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - ۱۰- تامین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستهای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران ۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

آزاده! این ترفند نیز مانند سایر طرح ها و تشبیهات این حکومت جانی باید با اعتراضات کوبنده پاسخ گیرد. اشغال سفارت رژیم در هلند، از جمله پاسخ ایرانیان خارج کشور به این جنایتکاران است. باید با تشدید مبارزه در خارج کشور عرصه را بر جنایتکاران حاکم بر ایران تنگ کنیم. رژیم جمهوری اسلامی باید در سراسر جهان طرد و

ابراز وجود در خارج کشور با شکست های پی در پی روبرو شده است. این اقدام جمهوری اسلامی عکس العملی به این وضعیت است. جمهوری اسلامی برای مقابله با اعتراضات گسترده ایرانیان در خارج کشور، هر چه در توان داشته است، بکار گرفته است. این اقدام جمهوری اسلامی، نشانه استیصال در مقابل اعتراضات گسترده مردم در خارج کشور است. ایرانیان مقیم خارج کشور، مردم

ممنوی شود. باید کاری کنیم که نمایندگان این رژیم جانی از مجامع بین المللی اخراج گردند. سفارتخانه های رژیم در خارج کشور باید برچیده شوند. زنده باد همبستگی بین المللی با مبارزات مردم ایران! مرگ بر جمهوری اسلامی ایران! تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰ فروردین ۸۹، ۹ آوریل ۲۰۱۰

شکست های پی در پی رژیم در خارج کشور و دادسرای ویژه برای ایرانیان خارج کشور

جمهوری اسلامی ایران از زبان مرتضی بختیاری وزیر دادگستری دولت احمدی نژاد، شنبه ۱۴ فروردین (۳ آوریل) اعلام کرده است که دادسرای ویژه برای رسیدگی به جرائم ایرانیان خارج کشور تشکیل میشود. وی خاطر نشان میکند که هماهنگی

های لازم نیز بعمل آمده است. اعتراضات ایرانیان خارج کشور و حمایت رو به رشد مردم جهان از مبارزه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی، عرصه را بر رژیم تنگ کرده است. طی ماه های اخیر تلاش های جمهوری اسلامی برای

مشغله وزارت بهداشت: ...

از صفحه ۸

استانداردهای آموزشی و آزمایشگاهی در رده های پایین در مقایسه با دانشگاههای معتبر جهان هستند، بجای گسترش امکانات علمی دانشگاه، با صرف هزینه بیشتر برای گسترش نیروی حراست و کنترل در دانشگاههای علوم پزشکی مراتب رشد علمی این دانشگاهها از حالا تضمین شده است! همه این دست و پا زدنها، در یک تصویر عمومی تر از تلاش حاکمیت

با مقنعه و روسری دنبال دانشجویان بود! پس از نظامی و امنیتی کردن محیط دانشگاه، مستقر کردن رسمی وزارت اطلاعات و سپاه در دانشگاهها، دفن "شهادی گمنام" در دانشگاهها، زنانه مردانه کردن کلاسها و حتی راه پله ها و... بلاخره در آخرین رویداد، سرو کله اختصاص بودجه وزرات بهداشت برای گسترش حجاب پیدا شده است. در حالی که دانشکده های علوم پزشکی به لحاظ

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

اساس سوسیالیسم انسان است!

بدون شما ممکن نیست!

کمپین جمع آوری ۲۰۰ هزار دلار کمک مالی برای حزب

زنان و مردان آزادیخواه!

به منظور تامین ادامه کاری کانال جدید که حدود سه ماه است در شبکه نایل سات به خانه های مردم ایران بازگشته و همچنین تقویت و گسترش پوشش کانال جدید و بازگشت به روزهای درخشان این کانال انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی و به منظور تامین فعالیت های گسترده و متنوع حزب کمونیست کارگری، دست یاری به سوی شما دراز میکنیم. انقلاب کنونی برای پیروزی نهایی و قطعی بر جمهوری اسلامی به یک رهبری رادیکال و پیگیر و حاضر در همه عرصه ها نیاز دارد. شکل دادن به این رهبری موضوع تلاش هر روزه این حزب است. تاکنون نیز تکیه گاه اصلی مبارزه بی تخفیف حزب علیه اعدام و سنگسار و حجاب و جهل و خرافه و فقر و بی حقوقی، همواره شما کارگران و مردم شریف و

آزادیخواه بوده اید. اینبار هم در شرایط حساس کنونی و برای انجام وظایف خطیری که حزب بعهدہ دارد، روی حمایت مالی شما حساب میکنیم.

در شش ماه آتی حزب با کسر بودجه ای معادل حداقل ۲۰۰ هزار دلار روبرو خواهد بود. بمنظور تامین این مبلغ از ۱۰ آوریل ۲۰۱۰ (۲۱ فروردین ۸۸) کمپین جمع آوری کمک مالی برای حزب شروع میشود که به مدت شش هفته ادامه خواهد داشت. ۲۰۰ هزار دلار حداقل نیازهای حزب را تامین خواهد کرد. ما امیدواریم کمکهای جمع آوری شده در این کمپین از این سطح فراتر برود به نحوی که بتوانیم دامنه پوشش تلویزیون کانال جدید را گسترش بدهیم. ما در نظر داریم بمنظور پوشش بیشتر در ایران و همچنین سهولت دسترسی به کانال جدید در اروپا، علاوه بر نایل سات روی شبکه تله استار نیز برنامه پخش کنیم. تنها

مانع ما مساله مالی است و امیدواریم با موفقیت این کمپین بتوانیم این مانع را نیز بر طرف کنیم. از همه شما مردان و زنان مبارز، از همه شما که خواهان نابودی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه انسانی، آزاد و مرفه در ایران هستید میخواهیم که فعالانه در این کمپین شرکت کنید. هر اندازه که خود میتوانید کمک کنید و برای حزب کمک مالی جمع آوری کنید و دیگران را تشویق به این کار کنید. کمک های شما هر اندازه که باشد، کوچک یا بزرگ، گوشه ای از فعالیت حزب خودتان را تامین کرده اید.

کمک ها را به تشکیلات های حزب در شهرهای مختلف برسانید یا به شماره حسابهای زیر واریز کنید و به ما اطلاع دهید. لیست کمک های مالی دریافتی هر هفته اعلام خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ آوریل ۲۰۱۰، ۲۰ فروردین ۱۳۸۸

کمپین ۲۰۰۰۰۰ دلار برای تامین کانال جدید

لیست شماره يك

حسن صالحی ۵۰۰۰ دلار

حسین آرین ۵۰۰ دلار

سعید صالحی نیا ۴۰۰ دلار

محمد هوستون ۳۰۰ دلار

عباس ایاق ۲۰۰ دلار

علاءالدین فرهاد پور ۲۰۰ دلار

فرهاد دالاس ۱۰۰ دلار

کیومرث صبری ۱۰۰ دلار

تینا ۱۰۰ دلار

نیما آزاده ۱۰۰ دلار

برادران اهواز ۱۰۰ دلار

جمال م. ۱۰۰ دلار

علی. ف. ۵۰ دلار

منصور دالاس ۵۰ دلار

آروین ۳۰ دلار

شاملو ۱۱۲، ۲۰ دلار

شهلا دانشفر ۲۰۰ پوند

کاظم نیکخواه ۲۰۰ پوند

علی معنوی ۵۰ پوند

فلورت معارفی ۱۰۰ کرون

غلام اکبری ۱۰۰۰۰ کرون

یدی محمودی ۵۰۰ دلار، ماهانه ۱۰۰ دلار

بابک یزدی ۳۰۰ دلار، ماهانه ۱۰۰ دلار

بهرز گلشن ۵۰ دلار، ماهانه ۵۰ دلار

سامیه عسکری ۳۰ دلار، ماهانه ۳۰ دلار

ایرج رضایی ۳۰ دلار، ماهانه ۳۰ دلار

حسن پناهی ۱۰۰۰ کرون، ماهانه ۱۰۰۰ کرون

فرشته مرادی و بهمن خانی ۱۵۰۰ یورو

آران رضایی ۲۰ پوند کمک به کمپین جمال صابری

از ایران

حوزه انترناسیونال ۶۸ هزار تومان

مهمان نوروزی ۵۰ هزار تومان

جمع لیست يك ۱۲۹۶۰ دلار

صمیمانه از دوستان عزیزي که کمک به کمپین تامین مالی کانال جدید را شروع کرده اند قدردانی میکنیم و کلیه اعضا و دوستان حزب و مردم شریف و آزاده را به پیوستن به کمپین تامین مالی کانال جدید فرامیخوانیم. تا پنج هفته دیگر باید به همت همه شما ۱۸۷۰۴۰ دلار دیگر جمع آوری شود تا شش ماه هزینه کانال جدید تامین گردد. امیدواریم کمکهای جمع آوری شده در این کمپین از این سطح فراتر برود به نحوی که بتوانیم دامنه پوشش تلویزیون کانال جدید را گسترش بدهیم. ما در نظر داریم بمنظور پوشش بیشتر در ایران و همچنین سهولت دسترسی به کانال جدید در اروپا، علاوه بر نایل سات روی شبکه تله استار نیز برنامه پخش کنیم. تنها مانع ما مساله مالی است و امیدواریم با موفقیت این کمپین بتوانیم این مانع را نیز بر طرف کنیم.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

شماره حساب سوئد:

Sweden Post Giro: 639 60 60-3 account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany Rosa Mai Konto. Nr.: 583657502 Bankleitzahl: 37010050 Post Bank

کانادا:

Canada ICRC Scotiabank 4900 Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1 Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248 Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America 277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711 Masoud Azarmoush
Account number: 99 - 41581083 wire: ABA routing # 026009593
swift code: BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England Account nr. 45477981 sort code: 60-24-23 account holder: WPI
branch: Wood Green Bank: NatWest IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779
BIC: NWBK GB 2L

سوآلی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

از ایران: مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰